

## تبیین ژئوپلیتیکی مسائل زیست محیطی

سید عباس احمدی<sup>۱</sup>

استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

طهمورث حیدری موصولو

دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

مجید نجاتپور

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۷/۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۴/۳

### چکیده

از اواخر قرن بیستم ژئوپلیتیک زیست محیطی به موضوع اصلی فعالیت‌ها و نگرانی‌ها بین گروه‌های انسانی و بازیگران ملی و فراملی در سطوح منطقه‌ای و جهانی تبدیل شده است. چرا که محیط زیست بشری بیش از گذشته دستخوش مخاطرات مختلف گردیده است. این مخاطرات در سه بعد: کاهش و کمبود منابع، تخریب منابع و آلودگی محیط زیست تجلی یافته است. از نقطه نظر ژئوپلیتیک، کمبود منابع زیست محیطی یا محروم کردن انسان‌ها از زیستن در مکان مورد علاقه‌ی آنها، رقابت، کنش متقابل و حتی در مواردی منازعه بین گروه‌های انسانی و بازیگران سیاسی را در پی دارد. آشکار است که کشورهای پیشرفته جهان که در گذشته بزرگترین مصرف‌کننده منابع و ذخایر طبیعی بوده‌اند، در دهه‌های آینده نیز به دلایل متعدد از جمله افزایش سطح رفاه و توسعه یافتگی، نقش موثری را در تأثیرگذاری بر اکوسیستم‌های طبیعی ایفا خواهند نمود. این عملکرد که انعکاسی از کمبود روز افزون منابع خواهد بود، منازعات ژئوپلیتیکی را بر سر منابع زیست محیطی افزایش خواهد داد. از این رو، در جهان فعلی بسیاری از کشورها صرف نظر از نظام حکومتی و درجه توسعه یافتگی، تمایل و آمادگی زیادی برای تدوین و تصویب مقررات زیست محیطی به صورت منطقه‌ای و بین‌المللی از خود نشان می‌دهند. بر این اساس در این تحقیق تلاش شده است تا به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، الکترونیک و اسناد و گزارش‌ها، مسائل ژئوپلیتیک زیست محیطی بررسی شده و همچنین تهدیدات و مسائل امنیتی از منظر ژئوپلیتیک تبیین شود.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، ژئوپلیتیک زیست محیطی، امنیت زیست محیطی، تهدیدات زیست محیطی.

## مقدمه

تمایل جوامع انسانی به بهره‌کشی از محیط زیست به نحوی که گویا محیط زیست یک منبع پایان ناپذیر است، بارها سبب بروز فاجعه شده و گاهی به نابودی برخی از منابع زیستی منجر شده است. ولی در بیشتر دوران‌های تاریخ بشر، اثرات زیست محیطی ناشی از استفاده بیش از حد منابع، تقریباً منطقه‌ای بوده است. صنعتی شدن گسترده کشورها و رشد سریع جمعیت، وضعیت را به گونه‌ای دیگر رقم زد. زیان‌های زیست محیطی شدید و بهره‌برداری نادرست منابع تقریباً در تمام مناطق جهان اتفاق افتاد. از اواخر قرن بیستم به بعد فرایند تخریب محیط زیست و اثرات ناشی از آن مقیاسی جهانی پیدا کرد. متعاقب این تغییر مقیاس، در سال‌های نخستین قرن بیست و یکم، مسائل و موضوعات زیست محیطی در دیدگاه بیشتر رهبران سیاسی، مقامات حکومتی، دانشمندان، صاحبان صنایع و به خصوص عموم شهروندان کشورهای مختلف جهان، از جایگاه بسیار بالایی برخوردار شد و اهمیتی بین‌المللی یافت. دلایل این تحول دیدگاهها که به آن جنبه بین‌المللی داد روشن بود. اول اینکه پاره‌ای از مسائل زیست محیطی ذاتاً جهانی هستند. به عنوان نمونه گازهای گلخانه‌ای و فلورو کربن که به جو زمین وارد می‌شوند، صرف نظر از اینکه کجای زمین متصاعد شده باشند، مشکل جهانی تخریب لایه محافظ اوزن را بوجود آورده و می‌آورند. نمونه دیگر گاز دی اکسید کربن است که سبب ایجاد تغییرات آب و هوایی در جهان شده است. بدون تردید این تغییرات و پیامدها جهانی هستند و صرفاً از طریق همکاری در مقیاس جهانی نیز مرتفع خواهند شد.

دوم اینکه بخشی از مسائل به بهره‌برداری از منابع مشترک جهانی مانند اقیانوس‌ها، بستر دریاها، فضای داخل و فضای خارج از جو مربوط می‌شوند. سوم اینکه بسیاری از مسائل زیست محیطی اساساً فراملیتی هستند. یعنی حتی اگر جهانی نباشند بنابر طبیعت خود از مرزهای ملی عبور می‌کنند (مثلاً دی اکسید گوگرد که در یک کشور انتشار می‌یابد، به وسیله باد به کشورهای دیگر انتقال می‌یابد، یا به همراه باران‌های اسیدی بر آن کشورها می‌بارد). این نوع مسائل بین‌المللی یا منطقه‌ای در بسیاری از نواحی جهان وجود دارد و همان چالش‌های سیاسی که با مسائل جهانی همراه است، در این مورد نیز پیش می‌آید. چهارم اینکه بسیاری از فرآیندهای بهره‌برداری بیش از حد یا تخریب محیط زیست، تقریباً در مقیاس محلی یا ملی انجام می‌شود ولی به حدی در مناطق مختلف جهانی تکرار شده که آنها را می‌توان مسائل جهانی دانست. روش‌های نادرست کشاورزی، فرسایش و تخریب خاک، جنگل زدایی، آلودگی رودخانه‌ها و بسیاری از مسائل زیست محیطی مرتبط با شهرنشینی و اقدامات صنعتی از جمله این فرآیندها هستند (کرین، ۱۳۸۳، ص ۵۷۶).

امنیت انسان نیز به حفظ رابطه کارآمد میان مردم و محیط طبیعی بستگی دارد. در نتیجه‌ی تحولات بوم‌شناختی جهانی، مسائل زیست محیطی نیز در متن بحث امنیت به مفهوم گسترده آن در دنیای معاصر، اهمیت خاصی پیدا کرده است. سرمایه‌داری جهانی نیز اغلب از راه‌های دیگر نیز امنیت بوم‌شناختی را تضعیف کرده است. در همین حال، هر یک از تغییرات زیست محیطی ناشی از فعالیت‌های انسان در تاریخ معاصر موجب تهدیدهای فوری و یا دراز مدت برای یکپارچگی زیست محیطی شده‌اند.

امروزه اقتصاد دانان، متخصصان صنعت و رهبران سیاسی که خود در پیدایش نابسامانی‌های زیست محیطی سهیم بوده‌اند، بر این باورند که، همه ملت‌ها باید توسعه آینده اقتصاد جهانی را از طریق توسعه تکنولوژی‌های نوین، تسلط بر بازارها و بهره‌وری اقتصاد ملی کنترل نمایند. توسعه بحران‌های زیست محیطی و تبعات آن در زمینه الگوهای تعامل و همکاری، یا کشمکش بین گروه‌ها و ابناء بشر و بازیگران سیاسی عامل اصلی توجه ژئوپلیتیک و متخصصان این رشته به مسائل زیست محیطی شده است. به همین خاطر از این موضوع به صورت یکی از مکاتب ژئوپلیتیک سبز<sup>۱</sup> نیز تعبیر می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۹۰). مراقبت از محیط زیست نیز یکی از اصول مشخص ژئوپلیتیک به شمار می‌رود و دلایل توجیه‌کننده گوناگونی وجود دارد که چرا باید حکومت‌ها و ملت‌ها از محیط زیست بیشتر مراقبت کنند. این دلایل در ژئوپلیتیک زیست محیطی مورد مطالعه قرار می‌گیرد و ما در این تحقیق به بررسی این مسائل از دیدگاه ژئوپلیتیک می‌پردازیم.

### روش تحقیق

روش اصلی این تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و برای گردآوری داده‌های آن از منابع کتابخانه‌ای، الکترونیک، اسناد، گزارش‌ها و مقالات پژوهشی لاتین استفاده شده است. این مقاله با توجه به رویکرد ژئوپلیتیکی آن، در صدد تبیین مسائل زیست محیطی از دیدگاه ژئوپلیتیک می‌باشد. سوال اصلی این تحقیق این است که با رویکرد ژئوپلیتیک مسائل زیست محیطی با چه تهدیدات و مسائل امنیتی مواجه می‌باشند؟

### یافته‌های تحقیق

#### پیشینه و ماهیت ژئوپلیتیک زیست محیطی

گرچه اعتراضات زیست محیطی از بسیاری جوانب یک پدیده جدید است اما به نظر می‌رسد که نگرانی و آگاهی نسبت به پیامدهای زیست محیطی ناشی از اعمال انسان، باید به قدمت تاریخ باشد. در حدود ۵۰۰ سال قبل از میلاد، افلاطون هشدار داد که کشاورزان یونانی با اجازه دادن به دام‌های خود برای چرای بیش از حد تپه‌ها و نیز نابود کردن جنگل‌ها، به استقبال بلا رفته‌اند.

در دهه ۱۶۶۰م. جان اولین<sup>۲</sup> وقایع نگار سعی کرد تا با انتشار جزوه‌ای تحت عنوان «فیومی فیوجیوم»<sup>۳</sup> مردم را علیه آلودگی هوا بسیج کند. در این جزوه وی از «ابر جهنمی و غم‌انگیز زغال سنگ که دائماً بر روی سر مردم است شکایت کرده بود». ظاهراً در طول قرن نوزدهم بود که با روند صنعتی شدن، مسائل مربوط به محیط زیست به شدت افزایش یافته و اختلاف میان اعتراضات اصولی درباره محیط زیست و اعتراضات مبتنی بر منافع شخصی آشکار گردید. در این طبقه بندی اخیر بود که زمین‌داران روستایی وحشت زده از رویارویی با آلودگی هوا، تخریب اراضی جنگلی، احداث جاده، راه آهن و کانال و ... که ناشی از توسعه سریع شهرهای صنعتی بود، اعتراضات متعددی را ابراز کردند. اعتراضات دیگر مبتنی بر اصول اخلاقی و زیبایی‌شناختی و معمولاً برخاسته از برخی جنبه‌های نگران‌کننده پیشرفت به سوی مدرنیته بود (مویر، ۱۳۷۹، صص ۴۴۶-۴۴۷).

<sup>۱</sup> -Green Geopolitics

<sup>۲</sup> - John Evelyn

<sup>۳</sup> - Fumi Fugium

علاوه بر ابراز نگرانی‌های زیبا شناختی، قرن نوزدهم شاهد اولین کوشش‌های روشمند برای به تصویر کشیدن تأثیر انسان بر طبیعت بود. در سال ۱۸۶۴م. محقق و دیپلمات آمریکایی، جرج پرکینر مارش<sup>۱</sup> کتاب «انسان و طبیعت»<sup>۲</sup> را منتشر کرد. در این اثر وی کوشید تا ماهیت و دامنه گوناگونی‌هایی را که بر جهان طبیعی وارد شده بود، ارزیابی کند. گرچه جنبش نوین حفاظت از محیط زیست در غرب، زاییده دهه ۱۹۶۰م. بود، اما بخشی از شالوده و اساس آن در دهه ۱۹۵۰م. شکل گرفت. در سال ۱۹۶۲؛ هنگامی که راشل کارسون<sup>۳</sup> نتایج تحقیق خود درباره آلودگی ناشی از سموم دفع آفات کشاورزی را تحت عنوان «چشمه خاموش» منتشر ساخت، معیار مهمی در ترویج نگرانی‌های عمومی درباره مسائل محیط زیست به دست آمد (Weisaker, 2008, p130). در آلمان غربی و در سال ۱۹۶۹م. ویلی برانت<sup>۴</sup> بر پایه مسائلی که در برگیرنده حمله به آلودگی جوی و ایجاد آسمان آبی بر فراز ناحیه روهر<sup>۵</sup> بود، در مبارزات انتخاباتی به پیروزی رسید و در مقام صدر اعظمی آلمان فدرال، اولویت بسیاری را به مسائل زیست محیطی داد. تا پایان دهه ۱۹۶۰م. افکار عمومی در ایالات متحده دولت را به تصویب «قانون سیاست ملی محیطی زیست» و «قانون هوای پاکیزه» وادار کردند. نامگذاری ۲۲ آوریل ۱۹۷۰م. به عنوان «روز زمین»، نمادی است از اهمیت رو به رشد جنبش محیط زیست. تظاهرات بر ضد جنگ در ویتنام و ناآرامی دانشجویی در سال ۱۹۶۸م. آگاهی عمومی نسبت به امکان اعتراض در سراسر اروپا را برانگیخت. ضمن آن که ظهور گروه‌هایی همچون صلح سبز که اعضای بسیاری داشته، و به طور اصولی از محیط زیست دفاع می‌کنند، به سازماندهی اعتراضات کمک کرده است. در انگلستان، اولین اعتراض مدرن درباره وضعیت محیط زیست در ماه می ۱۹۷۱ و هنگامی رخ داد که حامیان جنبش جدید "دوستان زمین"<sup>۶</sup> در اعتراض به عرضه بطری‌های غیر قابل بازیافت صورت دادند (مویر، ۱۳۷۹، ص ۴۴۹). در کنفرانس سازمان ملل درباره محیط زیست انسان که در سال ۱۹۷۲، در استکهلم برگزار شد، افکار عمومی در جهان سوم از این دو رویی آشکار در دیدگاه کشورهای شمال آزرده شده بود که: «ابتدا شمال از طریق رشد بی‌حد و حصر و به بهای نابودی جنوب ثروتمند می‌شود و آن گاه، پس از کسب تمامی ثروت، شمال به ما می‌گوید که به محدوده‌های رشد رسیدیم» (Jacobson, 2009, pp99-100). پس از حادثه چرنوبیل، دریچه‌های اعتراضات زیست محیطی به روی اروپای شرقی گسترده شد و هر کشور عضو پیمان ورشو، جنبش سبز خود را تشکیل داد. با افول قدرت کمونیستی در اتحاد جماهیر شوروی سابق و فروپاشی حکومت فدرال، سازمان‌های سبز در اغلب جمهوری‌های جدید تشکیل شدند.

### مفهوم منابع کاربردی در ژئوپلیتیک

از نقطه نظر تاریخی، دولت‌های صنعتی و غربی بزرگترین مصرف کنندگان منابع جهان بوده اند. البته در آینده، دولت‌های در حال توسعه، به دلیل رشد جمعیت و افزایش سطح استفاده از مواد، نقش فزاینده‌ای را در تأثیر بر

<sup>۱</sup> -George Parkins Marsh

<sup>۲</sup> - Man and Nature

<sup>۳</sup> - Rachel Carson

<sup>۴</sup> - Willy Brandt

<sup>۵</sup> - Ruher

<sup>۶</sup> - Friends of the Earth

اکوسیستم‌های زمینی ایفا خواهند کرد. این عملکرد بازتابی از خط سیر رشد غربی در مقیاسی وسیع تر و همراه با کمبود روز افزون منابع خواهد بود. بنابراین بر اساس این الگوی در حال ظهور، درگیری‌های ژئوپلیتیکی بر سر منابع زیست محیطی افزایش می‌یابند (Hurrel, 2008, p133). بر اساس دیدگاه اقتصاد دانان کلاسیک غربی مانند دیوید ریکاردو<sup>۱</sup> و جان استوارت میل<sup>۲</sup> منابع ذاتاً کمیاب هستند (یعنی محدود در کمیت و موقعیت). بنابراین رقابت بر سر منابع محدود، آزمونی برای رشد اقتصادی کشورها به حساب می‌آید. منابع را می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد: الف- منابع قابل تجدید (آب آشامیدنی، هوای تازه، ماهی و چوب و ...)؛ ب- منابع غیر قابل تجدید، با ذخیره ثابت که طی یک محدوده زمانی به پایان می‌رسند (سوخت‌های فسیلی مثل نفت خام، گاز، ذغال سنگ و مواد معدنی). طبق مطالعات سازمان ملل در سال‌های ۱۹۹۲م. و ۱۹۹۵م، حدود ۸۹ میلیون هکتار از خاک کره زمین به دلیل استفاده ناصحیح آنقدر خسارت دیده‌اند که قابل احیای مجدد نمی‌باشند و ذخایر آب آشامیدنی دچار کمبود شده‌اند. به طوری که در آینده نزدیک ۸۰ کشور جهان با کمبود جدی آب رو به رو خواهند بود (برادت و شلی، ۱۳۸۳، صص ۲۳۶-۲۴۰).

از زاویه دیگر منابع زیست محیطی ممکن است سیار یا «ناپایدار» باشند. منابع سیار یا ناپایدار به ویژه به دلیل نیروی بالقوه خود برای عبور از مرزها، موضوع درگیری‌های ژئوپلیتیکی هستند: ذخایر ماهی، حوضچه‌های نفتی زیر زمینی، جانوران مهاجر و خصوصیت ناپایداری منابعی که گاه به صورت خطرناک و زیان بخشی ظاهر می‌شوند. برای مثال می‌توان به تغییر حالت بخار آب به باران‌های اسیدی اشاره کرد که در عرصه مرزهای بین‌المللی بین اروپای شرقی و اسکاندیناوی یا بین آمریکا و کانادا در حرکت هستند.

#### تغییرات زیست محیطی و منازعه

اولین رویکردی که نسبت به امنیت زیست محیطی شکل گرفته، به گونه‌ای به تأثیر تغییرات زیست محیطی بر بروز منازعه اشاره می‌کند. آنچه که از دیرباز توجه حکومت‌مداران، سیاست‌مداران و مدیران را به خود معطوف داشته، اثر ناشی از کمبود منابع طبیعی است که با برافروختن آتش منازعه، امنیت را به مخاطره می‌افکند. از این دیدگاه قطع درختان جنگلی، فرسایش لایه قابل کشاورزی و نابودی آنها، و استفاده بیش از حد از آب و مواردی از این نوع، جنگ افروزانه قلمداد می‌شود. علت این امر نیز می‌تواند این باشد که همین منابع نیز، اولاً کمیاب هستند. ثانیاً برای بقای حیات انسان ضروری‌اند و ثالثاً قابلیت کنترل فیزیکی را دارند (Hurrel, 2008, p131). بر این اساس این نوع از منازعه یا این گونه منازعات که در روزگاران پیشین خیلی به ندرت اتفاق افتاده، می‌تواند در سال‌های آتی به موضوعی فراگیر و عام در سطح منطقه‌ای و جهانی تبدیل شود. فرآیندی که در این جا به صورت مؤثر عمل می‌کند، تبدیل شدن منابع تجدید پذیر به منابع غیر قابل تجدید، بر اثر افزایش بی‌رویه مصرف است که نتیجه‌ای جز منازعه و درگیری نمی‌تواند داشته باشد. از اندیشمندان برجسته در این حوزه که در واقع خود را به عنوان پیشگام در این رهیافت جدید شناساند، رابرت کاپلان<sup>۳</sup> بود که با بیان اینکه «مهم‌ترین مسئله امنیت ملی واحدهای ملی در قرن

<sup>1</sup> - David Ricardo

<sup>2</sup> - John Stuart Mill

<sup>3</sup> - Robert Kaplan

۲۱، محیط زیست است»، مسئله تازه ای را پیش‌روی محققان در این زمینه قرار داد (Kaplan, 2008, pp89-90). «هامر دیکسون»<sup>۱</sup> به عنوان اولین نظریه پرداز این ایده، معتقد است: «تأثیرات زیست محیطی بر امنیت ملی، به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم مطرح می‌شود». در تأثیرگذاری مستقیم رابطه این گونه است که متعاقب بروز تحولاتی در عرصه زیست، حکومت‌ها برای دستیابی و استمرار سلطه شان بر منابع طبیعی که دارای ارزشی دو چندان هستند، با یکدیگر وارد رقابت و چالش می‌شوند. اما در روش غیر مستقیم، تغییرات پدید آمده در حوزه محیط زیست آثار سیاسی - اجتماعی پدید می‌آورد که آن‌ها به نوبه خود، زمینه بروز جنگ و منازعه را فراهم می‌سازد. «هامر-دیکسون» بر این اساس سه نوع ارتباط را فرضیه‌بندی نموده است: الف- منازعات بین حکومت‌ها که ریشه در کمبود منابع طبیعی غیر قابل تجدید پذیر دارند. ب- منازعات بین حکومت‌ها که ریشه در کمبود منابع طبیعی تجدید پذیر دارند. او این ایده را در سال ۱۹۹۱م. بیان کرد؛ اما به علت نیافتن مؤیداتی برای آن در تحولات بعدی، عملاً تضعیف گشت. البته مسائلی مانند آب شیرین و ماهیگیری بعداً در روابط بین برخی کشورها به عنوان موضوعی جنجال برانگیز طرح گردید که قویاً این نظریه را تأیید نمود و ارزش آن را آشکار ساخت. از این بین مسئله آب شیرین دارای اولویتی چشم گیر می‌باشد که از آن به مثابه بحران امنیتی بسیاری از کشورها یاد می‌شود (تریف و همکاران، ۱۳۸۱، صص ۳۴۳-۳۴۷). ج- منازعات غیر مستقیمی که متأثر از تغییرات زیست محیطی به وقوع پیوسته است. این دسته از منازعات که می‌تواند بسیار خطرناک تر از موارد پیشین باشد، به دو صورت بروز می‌کند: ۱- عامل محرومیت<sup>۲</sup>؛ ۲- عامل گروه‌های هویتی<sup>۳</sup>.

در رابطه با عامل محرومیت؛ ملاحظیات زیست محیطی از طریق دامن زدن به کمبودهای اقتصادی، زمینه را برای شکل‌گیری احساس محرومیت نزد شهروندان مساعد ساخته و به این ترتیب به بروز منازعه و درگیری کمک می‌کند. در ادامه وجود تفاوت‌های زیست محیطی از نظر بهره‌مندی طبیعی، منجر به جذب سهم بیش‌تری از توان حکومت در بهبود شرایط مادی زندگی می‌شود و این امر گسستی را بین مناطق مختلف ایجاد می‌نماید که در نهایت به خاطر تعمق آن می‌تواند به تضعیف نظام سیاسی منجر شود (Terrif, 2004, pp330-331).

در رابطه با عامل دوم (گروه‌های هویتی) شایان ذکر است که فشارهای ناشی از محیط می‌تواند جنبش‌ها و تحرکات جمعیتی بزرگی را ایجاد نماید که این تحرکات به نوبه خود به شکل‌گیری گروه‌های هویتی منجر می‌شوند؛ گروه‌هایی که عمدتاً نزاع بر می‌انگیزند و نمونه‌های آن برخورد قومی است که پیوسته در اطراف و اکناف جهان حادث می‌شود. مقوله «شرایط مناسب زیست محیطی برای ادامه زندگی» بحث مهمی در آمایش جمعیتی و سیاست‌های مربوط به آن می‌باشد که پیوسته به صورت مهاجرت یا کوچ‌ناییدن، درگیری‌ها و مشکلاتی را برای جوامع مختلف به دنبال داشته است (Myers, 2009, p67). تجارب تاریخی حکایت از بروز منازعات بین حکومتی دارد که برخی از آن‌ها ریشه در این گونه تحولات زیست محیطی دارند. به عبارت دیگر حوزه تأثیرگذاری این تحولات ضرورتاً در قلمرو داخلی محدود نمی‌شود و به سیاست بین‌المللی نیز انتقال می‌یابد. در واقع، رهیافت

<sup>1</sup> - Homer Dixon

<sup>2</sup> - Deprivation

<sup>3</sup> - Group identity

زیست محیطی در اینجا، به باز تعریف امنیت در پرتو رابطه انسان با محیط زیست می پردازند که به دو طریق مستقیم و غیر مستقیم می تواند در مقدرات امنیتی او دخالت داشته باشد.

مطالعه منازعات منطقه‌ای نشان می‌دهد که واحدهای سیاسی مؤثر فراملی در ارتباط با چنین منابعی از انگیزه لازم برای منازعه برخوردارند. به طور نمونه، می‌توان به نشانه‌هایی در این ارتباط اشاره کرد. از جمله؛ بروز جنگ‌هایی بر سر منابع تجدید ناپذیر (مانند جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱) امکان پذیر است. ولی این ساز و کارها توسل به نیروی نظامی را کاهش می‌دهد. حکومت‌هایی که نگران احتمال بروز جنگ بر سر منابع تجدید ناپذیرند، ممکن است تصمیم بگیرند که برای مدیریت و حفاظت از منابع تجدید پذیر کمیاب و ایجاد رژیم‌هایی برای نظام مند ساختن مدیریت، حفاظت و توزیع این منابع با یکدیگر همکاری کنند (Arab, 2005, p45).

اگر همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای توزیع و کنترل منابع تجدید پذیر و کمیاب ایجاد نشود، طبیعی است که بسیاری از جدال‌های دوران موجود ادامه خواهد یافت. از منازعات منطقه‌ای که بر سر منابع محدود حادث شده است؛ می‌توان به اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی، توسط ایالات متحده آمریکا اشاره نمود که در این راستا ارزیابی می‌شود. این گونه برخوردها و درگیری‌ها نیازمند کنترل بین‌المللی و منطقه‌ای می‌باشند. چنین کنترلی از طریق رژیم‌های بین‌المللی شکل می‌گیرد. رژیم‌ها می‌توانند دو جانبه، منطقه‌ای و یا بین‌المللی باشند. ممکن است این گونه راه حل‌ها به راحتی قابل اجرا نباشد. زیرا منابع تجدید پذیر کمیاب اغلب بین چند کشور مشترک است و در نتیجه تلاش یک یا چند کشور برای مدیریت و حفاظت از این منابع، در صورتی که سایر طرف‌های ذینفع همکاری نکنند می‌تواند با شکست روبرو شود.

### نقش حکومت‌های ملی و سازمان‌ها در موضوعات زیست محیطی

کشورها به عنوان عناصر تشکیل دهنده روابط ژئوپلیتیکی و تصمیمات دولتهای حاکم در آنها همچنان بیشترین تأثیر را بر محیط زیست جهانی بر جا می‌گذارند. در سال ۱۹۷۲م. تنها ۲۵ کشور جهان سازمان‌هایی در زمینه محیط زیست در سطح ملی داشتند. اما از سال ۱۹۹۵، این سازمان‌ها در بیش از ۱۴۰ کشور جهان تأسیس شدند. حکومت‌های حاکم بر کشورها مجبورند به فشارهای داخلی برای توسعه اقتصادی پاسخ داده و آگاهی روزافزون مردم از این نکته را نیز مد نظر قرار دهند که تخریب محیط زیست می‌تواند در دراز مدت به توسعه اقتصادی آسیب وارد نماید. چین و هندوستان به ویژه به دلیل فشار رو به رشد برای توسعه اقتصادی، وسعت قلمرو و جمعیت‌های زیاد خود، در محیط زیست جهانی بسیار تعیین کننده به حساب می‌آیند. در همین رابطه وزارت محیط زیست و جنگل‌ها در هندوستان، بررسی زیست محیطی طرح‌های توسعه را تنظیم نمود و دولت در سال ۱۹۸۶م. قانون محافظت زیست محیطی را در سطح ملی به مورد اجرا گذاشت (برادن و شلی، ۱۳۸۳، صص ۲۳۶-۲۴۲).

از طرفی، مشارکت عمومی در موضوعات زیست محیطی نه تنها غالباً از طریق ساختارهای حکومتی، بلکه به وسیله سازمان‌های غیرحکومتی (NGO) و به نحوی روز افزون از راه فرایندهای سیاسی امکان پذیر می‌شود. مشارکت و علاقه عمومی ظاهراً در کشورهای ثروتمندتر چشمگیرتر است. برای مثال، در سال ۱۹۹۴، یک گروه غیرحکومتی در چین به نام «دوستان طبیعت» تشکیل شد که فعالانه در امر پاکسازی رودخانه یانگ تسه شرکت کرد.

برخی از سازمان‌های غیر حکومتی جایگاه بین‌المللی یافته‌اند که به آن‌ها امکان می‌دهد به بازیگرانی مهم در موضوعات زیست محیطی جهان تبدیل شوند. صندوق جهانی طبیعت، صلح سبز، حفاظت از طبیعت و مؤسسه‌ی جزیره زمین همگی برنامه‌هایی در کشورهای مختلف به اجرا در می‌آورند. فلسفه‌ی رفتاری آن‌ها ممکن است متفاوت باشد، اما آن‌ها ابزارهایی را در اختیار شهروندان قرار می‌دهند که بتوانند جدا از کانال‌های دولتی، بر پیامدهای ژئوپلیتیکی تأثیر بگذارند (همان، صص ۲۸۲-۲۸۱). یکی از گروه‌ها به نام «محافظت بین‌المللی» که در ایالات متحده قرار دارد، با خرید بدهی‌های کشورهای در حال توسعه از بانک‌ها مستقیماً وارد موضوع شمال - جنوب شده است. این سازمان طی موافقت‌نامه‌ای با آن کشور در حال توسعه وارد معامله‌ای با عنوان «بدهی در مقابل طبیعت» می‌شود. این استراتژی در مقیاسی وسیع‌تر در برخی از برنامه‌های بانک بین‌المللی بازسازی و توسعه استفاده شده است. گروه‌های ذینفع نیز ظاهراً در دو جهت متضاد فعالیت می‌کنند (Thomas, 2006, p128). سازمان‌های فراملی نقش فزاینده‌ای را در تأثیرگذاری بر رفتار کشورها در ارتباط با محیط‌زیست بازی می‌کنند. اما در عین حال یکایک شهروندان و سازمان‌ها نیز نقش‌هایی را در موضوعات زیست محیطی به عهده دارند. با این حال حکومت‌های کشوری که از هر دو طرف در فشار است، همچنان اقتدار خود را برای آخرین تصمیم برای چگونگی استفاده از منابع حفظ کرده است.

#### تهدیدات زیست محیطی

اولین نشانه تهدید امنیتی را می‌توان در محدودیت‌های استفاده از منابع دانست. زمانی که مصرف‌گرایی افزایش می‌یابد و یا اینکه نظام سرمایه‌داری برای نیل به سود بیشتر درصدد ارتقاء توان تولید و مصرف جامعه باشد، تهدیدات زیست محیطی ایجاد می‌شود. از این گذشته برای نخستین بار در تاریخ، بشر به سرعت و از روی بی‌توجهی در حال دگرگون ساختن فیزیولوژیکی اساس کره خاکی است. در حال حاضر، در سطح جهان تغییراتی در ترکیب شیمیایی جو، تنوع ژنتیک گونه‌های ساکن در کره زمین، و چرخه مواد شیمیایی حیاتی در اقیانوس‌ها، جو و زیست‌سپهر<sup>۱</sup> در حال وقوع است که هم از نظر ابعاد و هم از نظر آهنگ، سابقه‌ای برای آن نمی‌توان یافت (Myers, 2009, p79). برخی از این دگرگونی‌ها در اثر تصمیمات تصمیم‌گیران سیاسی و حاکمان رخ می‌دهد. در عین حال کمتر توجه می‌شود که هرگونه فعالیت اقتصادی و سیاسی حکومت‌ها بازتاب خود را در پیرامون و محیط اطراف خود بر جای می‌گذارد و در این شرایط منابع موجود در سطح بیشتری مصرف شده و به میزان کمتری بازتولید می‌شود. فعالیت بشر با افزودن ۲۵ درصد بر تراکم طبیعی دی‌اکسید کربن در جو، هم چرخه کربن و هم چرخه نیتروژن را بر هم زده است. این پدیده عمدتاً طی سه دهه گذشته در نتیجه مصرف سوخت‌های فسیلی و از بین رفتن جنگل‌ها بروز کرده است. تولید کودهای شیمیایی، حجم نیتروژن طبیعی موجود را در محیط دو برابر کرده است. مصرف کلروفلور و کربن‌ها که تنها دسته کوچکی از مواد شیمیایی را تشکیل می‌دهند، حفره‌ای به بزرگی یک قاره در لایه ازن بالای لایه «استراتوسفر» یا «پوشش سپهر» در منطقه بالای قطب جنوبی ایجاد کرده است و در سراسر کره زمین، نیز صدمات کمتر، ولی رو به رشدی به این لایه وارد ساخته است (Weisaker, 2008, p132).

<sup>1</sup> - biosphere



کنوانسیون بین المللی محیط زیست نشان می‌دهد که اصلی ترین شاخص تهدید فراگیر جامعه جهانی را «گازهای گلخانه‌ای» شامل می‌شود. این مجموعه‌ها در شرایطی قرار دارند که قادر خواهند بود تا بر روند زندگی و شاخصه‌های زیستی تمامی شهروندان تأثیر بر جای گذارند. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که اثر گلخانه‌ای پیوند غیر قابل تفکیکی با حفره فاجعه آفرینی دارد که در لایه ازن پدید آمده و خود معلول استفاده از گازهای کلروفلور و کربن است. جدای از این ممکن است تأثیرات ناشناخته‌ای بر زندگی گیاهی و حیوانی داشته باشد و سیستم‌های ایمنی بسیاری از این گونه‌ها را تحت فشار قرار دهد (Miller, 2007, p211).

از منظر ژئوپلیتیک رویکرد زیست محیطی، «تهدیدات» را موضوعاتی خاص ارزیابی می‌کند که صرفاً با مقولات امنیتی - نظامی قابل فهم نیستند و لذا می‌توان ادعا کرد که «نگرش زیست محیطی» معرف پیدایش شکلی نوینی از تهدیدات می‌باشد که از ناحیه سیاست‌های اقتصادی انسان در بستر طبیعت شکل گرفته و به صورت فزاینده‌ای ابعاد مختلف زندگی سالم انسان را بر روی کره زمین تهدید می‌نماید. از این دیدگاه، محیط زیست گرایی به مثابه نوعی از بروز رفتار و واکنش ارزیابی می‌شود که طی آن طرفداران محیط زیست به دنبال اصلاح روابط مخرب کنش بشری و جلوگیری از تخریب هر چه بیشتر محیط طبیعی به نفع حیات سالم هستند (Princern, & Finger, 2008, p63). بنابراین، عمده خطراتی که توسط انسان ایجاد می‌شود و باید هر چه سریعتر به فهم و مدیریت آن‌ها اقدام نمود؛ عبارتند از:

الف - صنعتی شدن: الگوی زندگی انسانی در ادوار اولیه، بیش تر معطوف به حفظ حیات طبیعی و انطباق با قواعد حاکم بر طبیعت بود، لذا سطح تخریب در حداقل ممکن قرار داشت. البته تحولات بعدی موسوم به صنعتی شدن، ایده تصرف در طبیعت را با هدف افزایش بهره وری، رواج داد تا آنجا که طبیعت در استخدام صنعت درآمد و در نتیجه به دنبال آن، آلودگی‌های صنعتی موضوعیت یافت و نگرش حکومت‌ها را به خود مشغول نمود (Gilpin, 2009, p 71).

ب- آلاینده‌ها: علم و فناوری در توسعه مرزهای دانش و امکانات زندگی نقش مؤثری داشته اند. اما این واقعیت را نمی‌توان منکر شد که گونه‌های تازه‌ای از تهدیدات ذهنی و عینی را نیز پدید آورده‌اند که گذشتگان از آن‌ها ایمن بوده‌اند. بر این اساس، محیط زندگی در حال آلوده شدن با عوامل خطر سازی است که بهداشت جسمی و روحی انسان معاصر را به شدت تهدید می‌کند.

ج- فرایند توسعه کنترل نشده: طرح توسعه و اولویت یافتن آن منجر شده تا کشورها در رقابتی افسار گسیخته با یکدیگر قرار گیرند؛ در نتیجه شاهد هزینه کرد تمامی امکانات و توانمندی‌ها در راه نیل به توسعه هستیم. به عبارت دیگر، توسعه از حالت یک ابزار، به هدفی مطلق تبدیل شده و این می‌تواند موجب تهدیدات جدی‌ای برای حیات انسان بر روی کره زمین باشد. ساده ترین شکل تهدید آن است که طبیعت بکر را هدف قرار داده و از این طریق ظرفیت‌های اولیه حیات سالم را از بین می‌برد (افتخاری، ۱۳۸۵، ص ۱۴۷).

د- سیاست‌های ملی: رقابت سیاسی و ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی برای افزایش منافع ملی، منجر به پیدایش شبکه‌ای از روابط قدرت متعارض در گستره جهانی شده است که کمترین توجه را به حفظ منافع سیاره

زمین به عنوان جایگاه حیات انسان دارد. به عبارت دیگر، «سیاست قدرت» نسبت به «سیاست سبز» بی‌توجه است و از این حیث می‌باشد که بقای این سیاره در معرض تهدید می‌باشد (Miller, 2007, p214 و افتخاری، ۱۳۸۵، ص ۱۴۸). این جنبه در تحلیل امنیتی جامع، متضمن «امنیت منابع» نیز بوده و لذا مشاهده می‌شود که وی در ذیل عنوان کلی محیط زیست، فصل مستقلی را برای منابع طبیعی باز نموده و سه دسته از تهدیدات متصور را در این زمینه از یکدیگر تمیز می‌دهد:

اول- تهدیدات مربوط به دسترسی به منابع که به صورت انحصار، تجاوز، امپریالیسم و یا استعمار تجلی می‌نماید. دوم- تهدیدات مربوط به نحوه استفاده از منابع که اصل پاکیزگی محیط زیست را هدف قرار می‌دهد و به صورت باران‌های اسیدی، سوراخ لایه ازن، و غیره مطرح می‌شوند. سوم- تهدیدات مربوط به عملکرد منابع طبیعی است که به صورت استفاده سیاسی از منابع طبیعی تجلی می‌نماید. در این خصوص می‌توان به کاربردهای نظامی این منابع اشاره کرد که تولید صنعت نظامی‌گری مصداق بارز آن است.

#### امنیت زیست محیطی

در دوران مدرن، مسائل زیست محیطی، به ویژه پیامدهای بین‌المللی فروسایبی محیط زیست در مباحث مرتبط با بازنگری امنیت جایگاه خاصی یافته‌اند (کاویانی راد، ۱۳۹۰، ص ۱۲۱). از طرفی بشریت در این دوره با پدیده بین‌المللی شدن و جهانی شدن مسائل زیست محیطی رو به رو است. به طوری که میان دامنه و گستره حکومت و مقیاس جغرافیایی که لازم است حکومت با مسائل زیست محیطی مقابله کند، تطابق فضای بسیار کمی وجود دارد. مطابق برخی از نظریه‌های واقع‌گرا در بحث توسعه، تعدادی از کشورها به استخراج و صدور منابع طبیعی به مثابه یک عامل مهم برای دستیابی به توسعه ملی اقدام می‌نمایند. به عبارتی این امر به عنوان عاملی مؤثر در قدرت ملی آن‌ها نقش آفرینی می‌کند. به همین ترتیب بسیاری از منازعات و جنگ‌ها با هدف سلطه بر منابع طبیعی رخ داده که حکایت از محوریت این موضوع در مطالعات امنیتی دارد. در این میان منابع طبیعی غیر قابل جایگزین، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بوده‌اند؛ به گونه‌ای که در مرکز مسائل امنیتی جوامع مختلف، اعم از دارنده این منابع یا خواهان این منابع قرار داشته‌اند. برای نمونه می‌توان به «نفت» اشاره کرد که با ایجاد چندین بحران جدی توانسته است، فضای حاکم بر روابط بین‌الملل را تغییر داده و به عنوان ابزاری مؤثر در معادلات امنیتی دخالت نماید. دنیس پیریجز<sup>۱</sup> بر این مدعا است که الگوی روابط ژئوپلیتیکی متأثر از عامل محیط‌زیست، دچار تحول شده و به نوعی بر محور آن قرار گرفته است. وی برای تبیین این معنا واژه جدید اکوپلیتیک یا محیط زیست سیاسی<sup>۲</sup> را به کار برده که از سیاسی شدن مسائل زیست محیطی حکایت دارد. در همین زمینه «لستر براون»<sup>۳</sup> سعی در باز تعریف دیگری از این واژه نموده است؛ به طوری که موضوع محوری امنیت در این تعریف را محیط زیست تشکیل می‌دهد. وی قائل به نقش مؤثر برای محیط‌زیست بوده و صرفاً آن را به یک بعد از ابعاد امنیتی تنزل نمی‌دهد. البته سلطه رویکرد تازه در این حد محدود نشده و شاهد آن هستیم که ورود محیط زیست به مطالعات امنیتی منحصر به طرح مسائلی از قبیل

<sup>۱</sup> - Dennis pirages

<sup>۲</sup> - Ecopolitics

<sup>۳</sup> - Lester Brown

استراتژی ویژه استفاده از منابع طبیعی، معضل پارگی لایه اوزن، کمبود آب آشامیدنی سالم، باران‌های اسیدی و دیگر مشکلاتی از این قبیل، نشده و سعی بر ایجاد ارتباطی دقیق‌تر بین محیط زیست و امنیت می‌باشد (تریف و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۳۴۳-۳۵۰). در اینجا مفهوم امنیت گسترش پیدا می‌کند که دیگر تنها حکومت‌ها را در بر نگرفته و افزون بر آن افراد، گروه‌ها، جانداران و جهان را نیز شامل می‌شود. این معنای وسیع اگر هم قابل بحث و بررسی می‌باشد، ولی در مجموع می‌تواند چهار رویکرد امنیتی را از آن استنتاج کرد که هر یک به نوعی به طبیعت نظر دارند:

الف- دگرگونی طبیعت و آسیب دیدن آن به سطح بهره‌مندی و رفاه انسان، و حتی سلامتی انسان آسیب می‌زند.

ب- پرداختن به منازعه و جنگ با دیگر حکومت‌ها، منجر به فرسایش طبیعت و خسارت آن می‌شود.

ج- کمبودهای زیست محیطی می‌تواند به مثابه عاملی در ایجاد بی‌ثباتی و نزاع، نقش آفرینی نمایند.

د- بهبود وضعیت و موقعیت طبیعت به نوعی در تقویت حاکمیت که موضوع اصلی امنیت مطابق رویکرد سنتی می‌باشد، مؤثر است و این امر حکایت از آن دارد که در قالب گفتمان صنعتی نیز، طبیعت دارای اهمیت می‌باشد (Terrif, 2006, pp163-168).

رویکردهای چهارگانه بالا هر یک تلقی خاصی از امنیت دارند: در حالی که رویکردهای اول و چهارم تلقی واقع بینانه‌ای از امنیت به معنای رهایی حکومت از خطر را مد نظر دارند، دو رویکرد دیگر بر بازیگران غیرحکومتی (NGO) بیشتر نظر دارند.

از منظر ژئوپلیتیک می‌توان انتظار داشت که بازیگران و توکننده، حول حوش سرچشمه‌های فیزیکی مسائل زیست محیطی به فعالیت پردازند. این سرچشمه‌ها را می‌توان از لحاظ جغرافیایی یا کارکردی تعیین کرد. خواه بنادر محلی ناوگان‌های ماهیگیری باشند، یا محل استقرار راکتورهای هسته‌ای غیر ایمن، یا محل فعالیت شرکت‌های دیگر که در کار قطع درختان جنگل‌های استوایی فعالیت دارند. بازیگران پیشنهاد را به طور کلی می‌توان در محل یا نزدیکی مناطقی که دچار مشکل شده‌اند یا مناطقی که از زوال محیط زیست تأثیر پذیرفته‌اند یافت. می‌توان انتظار داشت که قربانیان مستقیم زوال محیط زیست در خط مقدم بازیگران پیشنهاد حضور داشته باشند (مانند سوئد و نروژ در زمینه باران‌های اسیدی) مشروط بر آن که تهدیدهای وجودی فوری‌ترین توجه آن‌ها را به خود جلب نکرده باشد.

هرگاه قربانیان فاقد منابعی برای ایفای نقش بازیگر پیشنهاد باشند (همچنان که بیشتر کشورهای در حال توسعه چنین‌اند) احتمالاً نقش بازیگر پشتیبان<sup>۱</sup> را ایفا خواهند کرد. طبق تعریف، بازیگران پیشنهاد و از آن بیشتر بازیگران پشتیبان در نقاط خطر مستقر نیستند. به ویژه هنگامی که مسئله جهانی (مانند زوال لایه ی ازن)، اقتصادی (مانند وجه تقاضا در مسئله جنگل‌های استوایی) و یا اخلاقی (مانند صید نهنگ‌ها) باشد، این بازیگران را در همه جا یعنی عموماً در کشورهای که قادر به صرف انرژی درباره‌ی مسائل دوردست هستند و مردمان‌شان از آزادی چنین کاری برخوردارند؛ می‌توان یافت. چون این نقش‌ها بسته به هر مسئله ایفا کنندگان خاص خود را دارند. تا امروز هیچ‌گونه قدرت کلی در ارتباط با آن‌ها پدید نیامده است. همچنین، هنوز ارزش‌های زیست محیطی مانند منافع نظامی، اقتصادی و هویتی به‌ابزاری برای سامان دادن آگاهانه‌ی کل جامعه تبدیل نشده‌است (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۲۸).

<sup>1</sup> - Support actor

از طرف دیگر، حکومت‌ها ضمن وضع مقررات زیست محیطی برای بازیگران اقتصادی، نحوه‌ی اجرای خوب یا بد این مقررات را نیز تعیین می‌کنند. آن‌ها با تشکیل ادارات ناظر بر مسائل زیست محیطی، پی ریزی سازمان‌های بین‌المللی حکومتی مانند برنامه محیط زیست ملل متحد (یونپ)، توسعه‌ی حقوق بین‌الملل و افزودن وظایف تازه‌ای به فهرست وظایف سازمان‌های بین‌المللی حکومتی موجود مانند فائو و بانک جهانی امکان آن را فراهم می‌سازد تا ملاحظات امنیتی زیست محیطی تا حدودی نهادینه گردد. ولی حکومت‌ها و سازمان‌های حکومتی در برخی نقش‌ها و مسئولیت‌های بازیگران اقتصادی نیز شریکند. از این گذشته، در ارتباط با عملکردهای نظامی، آن‌ها در قالب فعالیت‌هایی چون آزمایش‌های هسته‌ای؛ مانور نظامی؛ تولید جنگ افزارهای هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی؛ دور ریختن سلاح‌های مازاد و کشتی‌های از رده خارج شده و مانند آن جزء بهره برداران اصلی محیط زیست به شمار می‌روند.

### بحث و نتیجه‌گیری

مسائل زیست محیطی از دیدگاه ژئوپلیتیک دارای تلقی نوینی از سیاست و محیط زیست می‌باشد و در بردارنده‌ی معیارهای تازه‌ای است که در تمیز «مسائل انسان معاصر» بسیار متفاوت تر از همیشه بیان می‌شود. در واقع، آنچه از سال‌های قبل توجه دولت‌مردان، ژئوپلیتیسین‌ها و مدیران را به خود جلب کرده، اثر ناشی از کمبود منابع طبیعی است که با برافروختن آتش منازعه و درگیری، امنیت حکومت‌ها را در سطوح ملی و فراملی به مخاطره انداخته است. هرچند این منازعات در دهه‌های پیشین به ندرت حادث شده ولی در سال‌های آتی به موضوعی فراگیر و در سطح منطقه‌ای و جهانی تبدیل می‌شود. فرایندی که در این باره به صورت مؤثر عمل می‌کند، فرایند تبدیل شدن منابع تجدید پذیر به منابع تجدید ناپذیر، بر اثر افزایش بی‌رویه مصرف است؛ که نتیجه‌ای جر بروز منازعه و درگیری را نمی‌تواند در پی داشته باشد. تجارب تاریخی حکایت از بروز منازعات بین حکومتی دارد که برخی از آن‌ها ریشه در این‌گونه تحولات زیست محیطی دارند. یعنی حوزه تأثیرگذاری این تحولات ضرورتاً در قلمرو داخلی محدود نمی‌شود و به سیاست بین‌المللی نیز منتقل می‌شود.

اگر همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای توزیع و کنترل چنین منابعی ایجاد نشود، بسیاری از جدال‌های دوران فعلی ادامه خواهد یافت. کشورهای حاکم در حال حاضر از عناصر تشکیل دهنده روابط ژئوپلیتیکی محسوب شده و تصمیمات آن‌ها همچنان بیشترین تأثیر را بر محیط زیست جهانی بر جای می‌گذارد. در این رابطه در سال ۱۹۷۲، ۲۵ کشور جهان سازمان‌های زیست محیطی در سطح ملی داشتند که از سال ۱۹۹۵، این سازمان‌ها در بیش از ۱۴۰ کشور جهان افزایش پیدا کرد و باعث گردید که حکومت‌های حاکم مجبور شوند به فشارهای داخلی برای توسعه اقتصادی پاسخ داده، آگاهی روزافزون مردم را از این فرایند را نیز مد نظر قرار دهند که تخریب محیط زیست می‌تواند در دراز مدت به توسعه اقتصادی آسیب جدی وارد نماید.

از یک سو، نخستین علامت تهدید امنیتی را می‌توان در محدودیت‌های استفاده از منابع دانست. زمانی که مصرف‌گرایی افزایش می‌یابد و یا اینکه نظام سرمایه داری برای رسیدن به نفع بیشتر درصدد ارتقاء توان تولید و مصرفی جامعه باشد، تهدیدات زیست محیطی ایجاد می‌شود. کنوانسیون بین‌المللی محیط‌زیست نیز اصلی‌ترین عامل تهدید

فراگیر جامعه جهانی را گازهای گلخانه‌ای می‌داند و مطالعات انجام شده بیانگر این است که اثر گلخانه‌ای پیوند تفکیکی یا حفره فاجعه آفرینی دارد که در لایه ازن پدید آمده و خود معلول استفاده از گازهای کلروفلورین است. از دیگر سو، از جمله تهدیدات زیست محیطی که توجه ژئوپلیتیسین‌ها را به خود جلب کرده می‌توان به آلودگی‌های صنعتی، آلاینده‌ها، سیاست‌های غلط ملی در استفاده ناصحیح از منابع و توسعه کنترل نشده و فراگیر اشاره کرد که طبیعت را هدف قرار داده و از این طریق ظرفیت‌های اولیه حیات سالم را از بین می‌برد. از آنجایی که سابقاً کشورهای صنعتی پیشرفته غربی بزرگترین مصرف‌کنندگان منابع زیست محیطی بودند، می‌توان پیش‌بینی کرد که در آینده حکومت‌های در حال توسعه نیز به دلایلی از جمله افزایش رشد و سطح استفاده از مواد، نقش مؤثری را در تأثیر بر اکوسیستم‌ها ایفا خواهند نمود. این عملکرد که بازتابی از کمبود روزافزون منابع خواهد بود. بر اساس این الگوی در حال ظهور، درگیری‌های ژئوپلیتیکی را بر سر منابع زیست محیطی افزایش خواهد داد؛ منابعی که به صورت تجدید شونده و غیر قابل تجدید مطرح می‌باشند و ذاتاً کمیاب هستند. بنابراین رقابت بر سر منابع محدود، آزمونی برای رشد و توسعه اقتصادی کشور می‌تواند به حساب آید.

از طرفی هم، اثرگذاری انسان بر شکل و عملکرد فیزیکی زمین به درجه‌ای رسیده است که دارای ماهیتی جهانی شده است. این تأثیرات با سرعتی سرسام آور حاصل شده‌اند. در این بین هر چند انتظار می‌رفت که حکومت‌ها و دولت‌ها بیش از پیش از نظر منطقی و به طور آگاهانه به قدرتی تبدیل شوند که بتوانند محتویات با ارزش محیط زیست را حفظ کرده و پرورش دهند و در عین حال موجب بهبود آن گردند. اما در عوض به نظر می‌رسد که دولت‌ها و حکومت‌ها به طور روز افزون به عاملی مقتدر تبدیل گشته‌اند که به طور آشفته عمل می‌کنند. همچنین، در عصر حاضر ارزیابی اندکی از تغییراتی که به وسیله بشر در کره زمین ایجاد شده، صورت گرفته است. بنابراین این ارزیابی به صورت ابعادی نو در عرصه ژئوپلیتیک زیست محیطی مطرح می‌گردد. در همین راستا، هر یک از تغییرات زیست محیطی ناشی از فعالیت کشورهای، دولت‌ها و سازمان‌ها در عصر کنونی، موجب تهدیدات فوری و یا درازمدت برای یکپارچگی زیست محیطی شده‌اند. در مجموع، حساسیت بیشتر به مسائل ژئوپلیتیک زیست محیطی موجب افزایش آگاهی مردم از آسیب پذیر بودن زندگی و احساس عدم امنیت ناشی از آن شده است. از طرف دیگر، تهدیدات ناشی از تولید فزاینده، توسعه سریع و همچنین منابع تجدیدناپذیر و منازعات منطقه‌ای و جهانی از جمله تهدیدات اصلی در این زمینه به شمار می‌روند.

## منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵). کالبد شکافی تهدید. تهران: دانشگاه امام حسین (ع). مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی.
- برادت، کتلین و شلی، فرد (۱۳۸۳). ژئوپلیتیک فراگیر. ترجمه علیرضا فرشچی و حمید رضا رهنما. تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد دوره ی عالی جنگ.
- بوزان، باری و همکاران (۱۳۸۶). چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت. مترجم علیرضا طیب. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تریف، تری. و همکاران (۱۳۸۱). «رویکرد زیست محیطی». از کتاب مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات ملی. ترجمه اصغر افتخاری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پاپلی.

- کاوایانی راد، مراد(۱۳۹۰). نسبت ژئوپلیتیکی امنیت زیست محیطی و توسعه پایدار؛ مطالعه موردی دریاچه ارومیه. فصلنامه مطالعات راهبردی. سال چهاردهم. شماره اول. بهار ۱۳۹۰.
- کرین، اوین(۱۳۸۳). «مسائل زیست محیطی» جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین. مترجم ابوالقاسم راه چمنی و دیگران. جلد دوم. تهران: انتشارات ابرار معاصر تهران.
- مجتهدزاده، پیروز(۱۳۸۱)؛ جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی. تهران: انتشارات سمت
- مویر، ریچارد(۱۳۷۹). درآمدی بر جغرافیای سیاسی. ترجمه دره میر حیدر و سید یحیی صفوی. تهران: سازمان جغرافیای نیروهای مسلح.
- مصلی نژاد، عباس(۱۳۸۷). بررسی جنبه‌های مختلف امنیت زیست محیطی با رویکرد اقتصادی. مجله محیط شناسی. سال سی و چهارم. شماره ۴۶، تابستان.
- Arab, R.W. (2005). *Sharing Global Resources*, New York: Mc Grow- Hill.p.45.
- Barton, J. (2005). *Apolitical Geography of Latin America*. London: Rout ledge.
- Baylis, J. and S. smash(eds).(1997). *The Globalization of world politics*, Oxford University press.
- Dennis, pirages,(2008). *the newcontext for International relations*, North Scituate MA , Duxbury, press.
- Doyle, T. and the McEachern,(1998). *Environment and politics*, London: Routledge.
- Gilpin, I., (2009). *The political Economy of international Relations*, Princeton NJ: Princeton university press.
- Gupta, J., (2003). *The climate change convention and Developing Countries*, Dordrecht: Kluwer.
- Hurrel, A.( 2008). *International political theory and the Global environment*, in K. Booth and s. smit(eds), *International Relations Theory Today*, Camberidge: polity pp. 129-53.
- Imber, M. and J. Vogler(eds). (2006). *The Environment and International Relations*. London: Routledge.
- Jacobson, R. (2009). *Environmental Re fugee: A yardstick of Habitability*, World watch paper no. 86, Washington Dc, World wath institute.PP: 98-101.
- Kaplan, R. (2008). "the Coming anarchy", *Atlantic Mmonthly*, February .89-90.
- Lipschultz, R. and K. Conca(eds).(1993).. *The state and social power in Global Environmental politics*, New york: Columbia Journal 23: 421-44.
- Miller, M. (2007). *The third World in Glibal Environmental Politics*, Milton Keynes: Open university Press. P. 211.
- Myers, d.( 2009). "Environmental and security" op. Cit., pp.65-7., Gary Hawes, "Theories of peasant revolution: a critique and contribution from the united Securiyy op. cit.P:67.
- Nijman, J., (2007). *The Geopolitics of power and Conflict*, chichester: John Wiley.
- Prins,G.(2004), "politics and the environmental", *International Affairs* (66).
- Princern, T. and M. Finger,(۲۰۰۸). *Environmental NGOs in world politics*, London: Routledge.
- Terrif, T. (2004). "Environmental Degradation and security", op. cit., pp. 257-262. critcheley and Terrif, "the Environ ment and security", op. pp: 329- 335.
- Terrif, T. (2006). ' The earth summit': are there any security mplications?!, *Arms Control*, 13(2) September. Pp;163-90.
- Thomas F. Homer-Dixon,(2006). " On the Thershold: Environmental changes causes of acute confilict, international security, 16(2) falls.P:124.
- Weisaker, E.U. Von. (2008). *Earth politics* (London and New Jersey: Zed Books).P: 129-131.